



Examining the perspective of Islam in explaining the moral interaction of humans with the environment and its protection (Relying on the verses of the Holy Quran)

Morteza bayat ^{a*}, fahimeh jafrasteh ^b

^a Faculty member of the Law Department, Faculty of Administrative Sciences and Economics, Arak University, Arak, Iran, m-bayat@araku.ac.ir

^b Assistant Professor, Department of Theology, Faculty of Humanities, Arak University, Arak, Iran, fahimeh_jafrasteh@yahoo.com

KEYWORDS

Islam, environment, ethical interaction, verses of the Holy Quran

Received: 22 July 2024;
Accepted: 06 January 2025

Article type: Research Paper
DOI: 10.22034/ij.2025.2032638.1031

ABSTRACT

Islam's point of view in explaining the moral interaction of man with the environment is a subject that has received the serious attention of scholars and religious thinkers. A model has been presented regarding a healthy environment in many verses, which express the principles and moral rules of human interaction with the environment and how to protect it, and in the present research, the view of Islam regarding the interaction of man with the environment and his duty in relation to various components. The environment has been explained with the emphasis and centrality of various verses and interpretations and it has been stated that because man lives in the lap of the environment, he has the right to benefit from it for his health and proper growth, and on the other hand, the united man benefits from The formative and legislative guidance, as a wise being, should have a principled and disciplined behavior with the environment (responsible behavior with the environment and being trustworthy, observing justice and fairness in dealing with the environment, prohibiting corruption in the environment and its prosperity and avoiding from extravagance and wastage) and observes rules such as (avoidance of harming animals and protecting them, prohibition of environmental destruction, optimal use of divine blessings, tolerance and compassion for the environment, etc.) As a result, it leads to the arrangement of human life and the revival of the sense of responsibility and efforts to preserve and protect the environment and create the necessary background for human growth and perfection.

* Corresponding author.

E-mail address: m-bayat@araku.ac.ir

©Author





بررسی دیدگاه اسلام در تبیین تعامل اخلاقی انسان با محیط زیست و حفاظت از آن (با تکیه بر آیات قرآن کریم)

مرتضی بیات الف*، فهیمه جفرسته ب

الف عضو هیئت علمی گروه حقوق، دانشکده علوم اداری و اقتصاد، دانشگاه اراک، اراک، ایران، m-bayat@araku.ac.ir
ب استادیار، گروه الهیات، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه اراک، اراک، ایران، fahimeh_jafrasteh@yahoo.com

چکیده

واژگان کلیدی

دیدگاه اسلام در تبیین تعامل اخلاقی انسان با محیط زیست موضوعی است که مورد توجه جدی عالمان و اندیشمندان دینی قرار گرفته است و به عبارت دیگر، از آنجایی که همه اجزای عالم هستی دارای ارزش می‌باشند و به سوی غایت مشخصی در حرکت می‌باشند، برای بهره‌گیری انسان از محیط زیست سالم در آیات بسیاری، الگو ارائه شده است که بیانگر اصول و احکام اخلاقی تعامل انسان با محیط زیست و چگونگی حفاظت از آن می‌باشند و در تحقیق حاضر نیز دیدگاه اسلام درباره تعامل انسان با محیط زیست و وظیفه او در ارتباط با اجزاء مختلف محیط زیست با تأکید و محوریت آیات و تفاسیر مختلف تبیین شده است و بیان شده است که انسان از آن جهت که در دامن محیط زیست زندگی می‌نماید، حق دارد که برای سلامتی و رشد مناسب خویش از آن بهره‌مند باشد و در مقابل انسان موحد و بهره‌مند از هدایت تکوینی و تشریحی به عنوان موجودی خردمند، می‌بایست دارای رفتاری اصولی و ضابطه‌مند با محیط زیست (رفتار مسئولانه با محیط زیست و امانت‌دار بودن، رعایت عدل و انصاف در برخورد با محیط زیست، نهی از فسادانگیزی در محیط زیست و آبادانی آن و پرهیز از اسراف و تبذیر) باشد و احکامی چون (پرهیز از آزار و اذیت حیوانات و حفاظت از آن‌ها، نهی از تخریب محیط زیست، استفاده بهینه از نعمت‌های الهی و مدارا و شفقت با محیط زیست و...) را در عمل رعایت نموده که در نتیجه موجب سامان یافتن زندگی بشر و احیای حس مسئولیت و تلاش برای حفظ و حراست از محیط زیست و ایجاد زمینه و بستر لازم برای رشد و به کمال رسیدن انسان می‌شود.

اسلام، محیط
زیست، تعامل
اخلاقی، آیات قرآن
کریم

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۵/۰۱

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۱۰/۱۷

مقاله علمی پژوهشی

۱. مقدمه

تعامل اخلاقی انسان با محیط زیست همواره از دغدغه‌های اصلی بشر و ادیان مختلف بوده است. پیشرفت چشمگیر و روز افزون علم و فناوری در دو قرن اخیر، توانایی انسان را بر تسلط بر محیط زیست، طبیعت و تصرف در آن و بهره‌گیری بی‌رویه افزون ساخته است.

برخی بر این باورند که دین و مذهب مخصوصاً ادیان ابراهیمی، به ویژه اسلام نقش منفی و تخریبی در زمینه تعامل

انسان با محیط زیست دارد. لذا علل بحران‌های محیط زیست را دین و مذهب، مخصوصاً اسلام می‌دانند. در حالی که این افکار نشان از آن است که نظام‌های حاکم بر اکثر جوامع، پیرو یا متأثر از اندیشه سرمایه‌داری غرب هستند. یکی از تفاوت‌های اصلی انسان سنتی و انسان مدرن، این است که انسان سنتی، طبیعت تأثیری مستقیم بر رفتارهای او داشت و در واقع بر اساس مبنای طبیعت‌محوری بود؛ به این معنا که اگر انسان در طبیعت دارای حقی است این حق به لحاظی است که انسان عضوی از زیست بوم است. (ساعد، ۱۳۸۳، ص ۷۶) اما انسان مدرن برعکس انسان سنتی، بر روی طبیعت اثرگذار است و محیط زیست پیرامون خود را بر اساس شرایط و اراده خود تغییر می‌دهد و در این دیدگاه که بر مبنای انسان‌محور است؛ محیط زیست فقط بر منافع بشر متکی است و به خودی خود فاقد ارزش ذاتی است. (حبیبی، ۱۳۸۹، ص ۱۳۹) در چنین شرایطی انسان مدرن حاکم بر طبیعت، خواهان تخریب همه‌جانبه محیط زیست و مصادره محیط پیرامون خود در راستای منافع آنی و لذت‌های زودگذر خود است.

از آنجایی که ادیان یکی از بزرگترین پتانسیل‌های موجود در احیای حقوق از دست رفته محیط زیست می‌باشند، اسلام به عنوان دینی که دغدغه سعادت بشر از اصلی‌ترین آرمان‌های آن است، در کتاب آسمانی خود و در روایات به تبیین اخلاقی تعامل انسان با محیط زیست می‌پردازد. بر این اساس طبیعت نشان‌های از قدرت و عظمت الهی است و دارای قداست است و تخریب و نابودی آن ممنوع است و از این نظر تمامی عناصر طبیعت هدف مشخصی دارند که انسان باید در آن تفکر و تأمل نماید و چون خداوند از خلقت بشر هدف دارد، مسیر انسان بنا بر اراده الهی می‌باید در جهت ایجاد توازن در محیط زیست باشد تا صفت جانیشینی خدا بر او صدق نماید. (طباطبایی، ۱۴۱۷، ص ۱۲) در این دیدگاه که بر اساس مبنای خدامحوری است می‌بایست انسان موحد و بهره‌مند از هدایت تکوینی و تشریحی به عنوان موجودی خردمند، عاقل، مسئول و جانشین خداوند، دارای رفتاری اصولی و ضابطه‌مند با محیط زیست باشد.

ضرورت این تحقیق آن است که خلأ مباحث تئوریک و فکری در این زمینه بهبود یابد و پاسخ و نقدی باشد به دیدگاهی که منشأ بحران‌های زیست محیطی را ادیان ابراهیمی می‌داند و توضیح داده شود که تصور مذکور ناشی از تصور ناقص نظریه‌پرداز از ماهیت و آرمان‌های ادیان آسمانی است و به تقویت دیدگاهی بپردازد که آموزه‌های ادیان آسمانی به‌ویژه اسلام را دارای پتانسیل لازم برای حفظ حقوق محیط زیست می‌داند و همچنین می‌تواند پاسخی باشد برای شبهاتی که در دهه‌های اخیر در زمینه فلسفه دین بر پیکره‌ی دین وارد می‌شود.

بحث درباره نحوه تعامل انسان و محیط زیست سابقه‌ای طولانی دارد، به گونه‌ای که علامه مجلسی دو جلد از مجلدات کتاب «بحارالانوار» را به احادیث وارده در زمینه محیط زیست اختصاص داده‌اند. و یا کتاب «اسلام و محیط زیست» از آیت الله جوادی آملی که برگرفته از سخنرانی‌های ایشان می‌باشد و یا «اسلام و محیط زیست» از عیسی ولایی و «اصول تربیت زیست محیطی در اسلام» از صادق اصغری و «اخلاق زیست محیطی» از لویی پولمان و «اخلاق محیط زیست» از جان بنسون و مقالاتی نظیر «نظریه اخلاقی زیست محیطی اسلام با تأکید بر آرای استاد مصباح یزدی» از محمود فتحعلی و «انسان‌محوری در قلمرو زیست محیطی با تأکید بر نگرش اسلام» از محسن جوادی اشاره کرد.

آثار مذکور هر یک دارای مزیت‌هایی است و از جهاتی در زمینه محیط زیست سخن به میان آورده‌اند و متناسب با موضوع آیات و روایاتی را ذکر کرده‌اند ولی هیچ یک از آثار ذکر شده به بررسی دیدگاه اسلام همراه با ذکر اصول و احکام عملی تعامل اخلاقی با محیط زیست بر اساس آیات قرآن نپرداخته‌اند که مقاله حاضر به دنبال بررسی آن است. بر این

اساس با استفاده از آیات قرآن کریم در ابتدا دیدگاه‌های مختلف در زمینه تعامل اخلاقی با محیط زیست مطرح شده است و سپس دیدگاه اسلام در این زمینه مطرح و در انتها اصول و احکام عملی تعامل اخلاقی با محیط زیست بیان شده است تا با استفاده از تحلیل‌های ارائه شده توسط اندیشمندان مسلمان، بتوان به وظایف خود در رفتار با محیط زیست عمل نمود.

۲. محیط زیست

«محیط زیست» واژه‌ای فارسی است و معادل عربی آن «البیئه» می‌باشد. محیط زیست در معنای کلی و عام، مکان و فضایی است که در آن زیستن وجود دارد. واژه محیط زیست یک اصطلاح جدید است که از قرن بیستم میلادی به بعد رایج شده است و برای آن تعاریف متعددی از سوی اندیشمندان غربی و اسلامی ارائه شده است که برخی از آن‌ها عبارتند از:

۱. محیط زیست عبارت است از: «مجموعه‌ای متشکل از هوا، آب، ذرات معلق مانند دود، غبار و خاک است.» (لواسانی، ۱۳۷۲، ص ۳).

۲. یکی از اندیشمندان مسلمان می‌گوید: محیط زیست عبارت است از: «قسمتی از طبیعت که هر کس در زندگی خود با آن سروکار دارد.» (حسین الخشن، ۱۴۲۵، ص ۱۳)

از مجموع تعاریف مختلفی که ذکر شد، می‌توان نتیجه گرفت که این تعاریف، تفاوت ریشه‌ای و عمیقی با یکدیگر ندارند و تفاوت عمده آن‌ها در تعابیر است. لذا تعریف مورد نظر ما از محیط زیست در این مقاله که وجه مشترک همه تعاریف می‌باشد عبارت است از: مجموعه عوامل و عناصر که فرآیند زیستن را احاطه کرده است و میان آن‌ها و انسان تأثیر و تأثر برقرار است. این مجموعه شامل عوامل بی‌جان مانند: زمین، خاک، آب، هوا، فضا و عوامل جاندار مانند گیاهان و حیوانات می‌شود.

۳. اخلاق محیط زیست

اخلاق محیط زیست، شاخه‌ای از اخلاق است که به درست یا نادرست بودن رابطه انسان با عناصر غیر انسانی موجود در محیط زیست توجه دارد. (دیلمی، ۱۳۷۹، ص ۳۶).

با توجه به اینکه در بین موجودات فقط انسان است که دارای اختیار و آزادی است، در نتیجه فقط او فاعل اخلاقی است و اخلاق زیست محیطی مربوط به وی می‌باشد.

۴. دیدگاه‌های مختلف در زمینه تعامل انسان با محیط زیست

چگونگی اندیشیدن انسان‌ها پیرامون هستی، طبیعت و انسان در رویکرد انسان نسبت به باید‌ها و نبایدها در تعامل اخلاقی با محیط زیست تأثیر عمیق و قطعی می‌گذارد و جهت‌گیری‌های ارزشی متفاوتی را پدید می‌آورد.

۱. ۴. مفاهیم ارزشی در تعامل با محیط زیست

دانش فلسفه محیط زیست و اخلاق محیط زیست درباره انواع ارزش‌های زیست محیطی و چرایی حفاظت و حمایت از آن و حق موجودات غیر انسانی و تعهد اخلاقی انسان‌ها نسبت به طبیعت بحث می‌کنند.

۱.۱.۴. مفهوم ارزش ذاتی

مراد از ارزش ذاتی این است که چیزی ارزش استقلالی داشته باشد در برابر چیزی که ارزش آن بستگی به موجود دیگری دارد. (بری، ۱۳۸۰، ص ۲۰۳) ارزش ذاتی هر چیزی صرف نظر از منافع و ضررها و ارزش‌های پیرو و وابسته به آن ارزش‌گذاری می‌شود. در واقع ارزش ذاتی، ارزش تجربیدی است و ارزش شیء بدون هیچ مقایسه‌ای با غیر خود آنگونه که هست مورد ارزیابی قرار می‌گیرد.

۲.۱.۴. مفهوم ارزش ابزاری

ارزش ابزاری بر خلاف ارزش ذاتی به این معناست که وقتی چیزی ارزش ابزاری دارد که ارزش و بهای خود را در مقایسه و انتساب به هدف یا موجود والاتری کسب می‌کند. (همان). بر این اساس، درباره واقعیت ارزش در فلسفه محیط زیست دو گونه برداشت وجود دارد: نخست اینکه: محیط زیست به خودی خود و در ذات خود ارزشمند است. دوم اینکه، از این جهت دارای ارزش است که وابسته به موجود ارزشی دیگری است.

۳.۱.۴. رویکرد جامع‌نگر

در تعامل میان دو دیدگاه ارزش ذاتی و ارزش ابزاری نظریه بینابینی هم مطرح شده است. تفکر کل‌نگر، رویکردی است که می‌تواند میان ارزش‌های طبیعت و منافع انسانی تعادلی برقرار کند. این نظریه بر اصل وحدت زیست محیطی استوار است. به این معنا که در روابط میان انسان و محیط زیست نمی‌توان صرفاً به منافع یکی به جای دیگری اندیشید. در این نظریه انسان جزئی از طبیعت و طبیعت جزئی از انسان است. منافع یکی با دیگری و بالعکس ارتباط دارد. در این تفکر رابطه انسان با طبیعت به گونه‌ای است که انسان مالک محیط زیست شمرده نمی‌شود، بلکه مدیر آن است که باید به نحوی مطلوب آن را اداره کند. (پیری، ۱۳۸۵، ص ۱۴۹).

از جمله مهم‌ترین رویکردهای ارزشی در زمینه تعامل انسان با محیط زیست می‌توان به انسان‌محوری، زیست‌محوری و خدامحوری اشاره کرد (عابدی سروستانی، ۱۳۸۶، ص ۵۸).

۲.۴. انسان‌محوری

رویکرد انسان‌محوری که معروفترین جهت‌گیری در اخلاق زیست‌محیطی محسوب می‌شود، وامدار اخلاق سنتی است. در این رویکرد از بین موجودات طبیعی، فقط انسان دارای ارزش یا ارزش ذاتی است و موجودات دیگر شایسته برخورداری از توجهات اخلاقی نیستند.

کانت معتقد است احترام و شرافت مختص افرادی است که قدرت تفکر اخلاقی دارند. لذا حیوانات و انسان‌هایی را که فاعل اخلاقی معقول نیستند، شیء نامیده و آن‌ها را دارای ارزش ذاتی و اخلاقی نمی‌داند. (کانت، ۱۳۶۹، ج ۱، ص ۸۴) وی از این جهت مورد نقد واقع شده است، چرا که کرامت ذاتی را نادیده گرفته است. در حالی که از نگاه ادیان ابراهیمی انسان دارای کرامت و شرافت است و اینکه چون انسان موجودی عاقل و خردورز است و از ارزش و حق اخلاقی برخوردار است، ثابت نمی‌کند که سایر موجودات دارای ارزش اخلاقی نباشند.

۳.۴. زیست‌محوری

زیست‌محوری را می‌توان اولین مرحله‌ای دانست که انسان از خود فراتر می‌رود و حاضر می‌شود ارزش ذاتی در سایر موجودات به غیر انسان را بپذیرد. در این رویکرد ادعا بر این است که حیوانات با درجات پایین‌تر و متفاوت دارای ویژگی‌های عقلانی می‌باشند؛ مثل حس کردن و احساس داشتن، حل مسئله، معرفت به خویش و... برنارد رولین براین باور است که انسان و حیوان هر دو ذی‌شعور هستند. به همین جهت از ارزش و حقوق اخلاقی برخوردارند و مورد احترام می‌باشند. (لویی، ۱۳۸۴، ص ۱۴۷).

این رویکرد در مقام نظر از این جهت که دیدگاه سنتی غرب- انسان‌محوری- را زیر پا گذاشته گام مثبتی شمرده می‌شود. اما در مقام عمل چون گروه‌های چپ و مدرن از اندیشه‌های سرمایه‌داری متأثر هستند و به گونه‌ای فعالیت می‌کنند که برای رسیدن به سود حداکثر و انباشت سرمایه همه چیز را نابود می‌سازند. (فهیمی، مشهدی، ۱۳۸۸، ص ۱۹۵-۲۱۶). و مشکل فائیلین به این نظریه این است که حساس بودن و ذی‌شعور بودن را ارزش اخلاقی به حساب می‌آورند در حالی که یک ارزش وجودی است مثل عقل برای انسان.

۴.۴. خدامحوری

از جمله جهت‌گیری‌های ارزشی در مورد تعامل انسان با محیط زیست رویکرد خدامحوری است، که همه مخلوقات عالم با ارزش‌اند و ارزش آن‌ها به مقدار بهره‌ای است که از کمالات وجودی دارند. خدامحوری اسلامی که از آن می‌توان به توحید محوری یاد کرد از جمله دیدگاه‌هایی است که ارزش ذاتی را مختص خداوند می‌داند و محیط زیست را از آن جهت که مخلوق خداوند هست، دارای ارزش می‌داند و انسان موظف است که با آن رفتار اخلاقی داشته باشد. در این نظریه انسان و موجودات دیگر همه در یک شبکه تعریف می‌شوند که همگی نشئت گرفته از خداوند هستند و انسان به عنوان خلیفه خدا در روی زمین مسئول رفتار خود با محیط زیست می‌باشد.

۵. دیدگاه اسلام در زمینه رویکردهای ارزشی تعامل انسان با محیط زیست

از دیدگاه اسلام در این زمینه دو احتمال وجود دارد:

۱.۵. اسلام و قرآن دیدگاه جامع‌نگر را تایید می‌کند. برای اثبات این احتمال شواهد قرآنی بسیاری وجود دارد، از جمله: الف. در جهان بینی قرآنی عناصر طبیعت و انسان ماهیاتی جدای از هم نیستند و هویتی جداناپذیر دارند. محیط زیست و انسان دو عنصر هستند که وجودشان وامدار و منشأ هستی است و به سوی او در تکامل هستند و هر کدام دارای ارزش ذاتی فی‌نفسه هستند.

ب. قرآن انسان را از فساد در زمین نهی کرده است و تخریب محیط زیست یکی از مصداق‌های بارز فساد در زمین است؛ زیرا مراد از فساد در زمین جریان ظلم و ستم در زمین به وسیله رفتارهای غیراخلاقی انسان است. (زمخشری، ۱۴۰۷، ق، ج ۳، ص ۴۱۳).

در نتیجه طبیعت و انسان دارای ارزش یکسانی هستند و ارزش هیچ کدام به دیگری وابسته نیست و نظریه ارزش ابزاری با این دیدگاه همخوانی ندارد و در صورتی که ارزش ابزاری برای محیط زیست قائل شویم، فساد در زمین و تخریب محیط زیست مباح شمرده می‌شود و انسان در قبال آن‌ها مسئولیتی ندارد. بنابراین محیط زیست طبیعی و انسان هر دو دارای ارزش ذاتی هستند که با نظریه‌های ذاتاً ارزشی محیط زیست و ارزش ابزاری محیط زیست قابل تفسیر نیستند،

بلکه با نظریه جامع‌نگر زیست محیطی تفسیر می‌شوند. (فتحعلی، ۱۳۹۰، ص ۱۰۲).

۲.۵. اسلام نگاه ارزش‌ابزاری را تأیید می‌کند.

الف) اسلام نگاه ارزش‌ابزاری به محیط زیست دارد؛ به این معنا که تمامی آنچه را که خداوند خلق کرده است، برای انسان و در راستای منافع او ایجاد کرده است. بنابراین، محیط زیست طبیعی ابزار خدمت‌رسانی به انسان است. چرا که در قرآن طبیعت در راستای خلقت انسان ایجاد شده است. «هُوَ الَّذِي خَلَقَ لَكُمْ مَا فِي الْأَرْضِ جَمِيعاً» (بقره/۲۹) با توجه به مراتب وجودی، موجوداتی که در دنیای مادی قرار دارند و هر کدام دارای فضیلت‌هایی بر مرتبه پایین‌تر هستند، انسان با داشتن موهبت عقل از سایر موجودات متمایز شده است و از خداوند اجازه تسخیر و تصرف در رتبه‌های پایین‌تر از خود را یافته است. (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱، ص ۱۱۴).

ب. انسان حق تصرف در طبیعت و تسخیر آن را دارد. «وَهُوَ الَّذِي سَخَّرَ الْبَحْرَ لِيَتَأْكُلُوا مِنْهُ لَحْمًا طَرِيًّا» (نحل/۱۴) روایات اسلامی حق تسخیر و تصرف در طبیعت را ناشی از وجود دو موهبت عقل و اختیار می‌دانند و این دو عنصر انسان را بر سایر موجودات برتری داده است و عامل دیگر برتری انسان، اختیار تام انسان در پذیرفتن ولایت الهی و قبول اجرای فرامین الهی است. (همان، ج ۱۶، ص ۳۵۵).

نظام آفرینش تحت اختیار انسان و امانتی در دست اوست ولی اگر در امانت خیانت کند مجموعه کیهانی از اطاعت او خارج می‌شود و از او نیز ارزشمندتر می‌شود. بنابراین رابطه انسان با محیط زیست در صورتی که او ارزش وجودی خود را حفظ کند و امین خدا باشد رابطه تسخیری است.

از مجموعه آیات قرآن برداشت می‌شود که محیط زیست ابزاری برای رفاه انسان است، اما ابزاری که از ارزش ذاتی برخوردار است و با توجه به همین ارزش ذات‌گرایانه و مقام خلیفه الهی انسان، تعامل انسان با محیط زیست، تعاملی مسئولانه و تعهدمحور و تکلیف‌مدار است.

۶. اصول اخلاقی تعامل انسان با محیط زیست و حفاظت از آن از دیدگاه اسلام

در آموزه‌های اسلامی، طبیعت و محیط زیست در عین حال که در اختیار انسان به عنوان خلیفه الهی قرار دارد به عنوان نشان‌های از قدرت و عظمت الهی توصیف شده است که انسان متعهد به حفظ و حراست آن می‌باشد. در واقع محیط زیست در اسلام «امانتی» است که به انسان سپرده شده است. بر این اساس از لحاظ اخلاقی می‌توان اصولی را برشمرد که با ضرورت بهره‌مندی افراد از محیط زیست همسو بوده است.

۱.۶. اصل مسئولیت‌پذیری و تصمیم‌سازی عالمانه

خداوند متعال در قرآن کریم می‌فرماید: «وَلَا تَقْفُ مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ إِنَّ السَّمْعَ وَالْبَصَرَ وَالْفُؤَادَ كُلُّ أُولَئِكَ كَانَ عَنْهُ مَسْئُولاً» (اسراء/۳۶) و از چیزی که بدان علم نداری پیروی مکن، زیرا گوش و چشم و دل مورد سوال قرار خواهند گرفت. علامه طباطبایی در ذیل این آیه می‌گوید: گوش و چشم و قلب از جمله نعمت‌هایی هستند که خداوند به انسان ارزانی داشته تا او به وسیله آن‌ها حق را از باطل تشخیص داده و خود را به حقیقت برساند. در بهره‌برداری از محیط زیست باید به این مسئله توجه شود که رابطه انسان با محیط زیست، رابطه حق و تکلیف است؛ یعنی همانگونه که خداوند به

انسان اجازه بهره‌برداری از طبیعت را داده است؛ از سوی دیگر، موظف و مسئول حفظ و صیانت از محیط زیست می‌باشد. در واقع انسان خلیفه خدا در روی زمین است و رابطه انسان با طبیعت، رابطه‌ای بر اساس محبت و جنبه خالق و مخلوقی دارد نه جنبه انتقام‌گیری و بهره‌برداری بی‌رویه از طبیعت که انسان امروز دچار آن است. بنابراین اصل تعامل عالمانه انسان را موظف می‌کند که اولاً، باید نسبت به حفظ و صیانت از محیط زیست کوشا بوده و ثانیاً، نباید محیط زیست و منابع طبیعی را به یک نسل و گروه و افراد خاص واگذار نماید و یا بیش از حد مجاز بهره‌برداری نمایند.

آیات متعددی از قرآن کریم دلالت بر ضرورت حفاظت و حمایت از محیط زیست دارد. از جمله اینکه: از تکریم بنی آدم و سیر او در طبیعت و روزی دادن به او از طیبیات سخن می‌گوید «لَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ وَ حَمَلْنَاهُمْ فِي الْبَرِّ وَ الْبَحْرِ وَ رَزَقْنَاهُمْ مِنَ الطَّيِّبَاتِ» (اسراء: ۱۷)

دیگر آنکه فساد انگیزی بر روی زمین حرام اعلام شده است. «و لَا تُفْسِدُوا فِي الْأَرْضِ بَعْدَ إِصْلَاحِهَا...» (اعراف: ۵۶) بنابراین انسان در برابر محیط زیست مسئولیت دارد و نمی‌تواند در برابر رشد و تأمین حیات عناصر محیط زیست بی‌تفاوت باشد و یا به گونه‌ای غیر علمی دلخواه و احساسی و به دور از چارچوب‌های قانونی و اصول اخلاقی به بهره‌برداری و یا انهدام طبیعت بپردازد؛ زیرا زمین و همه ابعاد طبیعت به عنوان ودیعه در دست بشر قرار گرفته و اختصاص به یک نسل خاصی ندارد، بلکه به همه انسان‌ها در حال و آینده تعلق دارد.

ضمن اینکه قاعده «لا ضرر و لا ضرار» هرگونه رفتاری که منجر به تخریب و آلوده نمودن، نابود کردن و از انتفاع خارج نمودن محیط زیست باشد به دلیل اینکه متعلق به عموم هستند را اضرار به غیر و حرام می‌داند. (فهیمی، ۱۳۹۱، ص ۷۴).

۲.۶. اصل رعایت عدل و انصاف

خداوند متعال یکی از اهداف ارسال انبیاء را برقراری عدالت و اقامه قسط توسط مردم یعنی توجه به سهم همه طرف‌های ذی نفع و ذی حق دانسته است. «لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَ أَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَ الْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ» (حدید/۲۵)

رفتار همراه با عدل و انصاف نسبت به انسان‌ها و غیر انسان‌ها اعم از جانوران و دیگر عناصر محیط زیست از اصول اخلاقی راهبردی است، چرا که سعادت دنیا و آخرت جامعه و حفظ سلامت محیط زیست در گرو رعایت عدل و انصاف و احسان می‌باشد. و یکی از مصادیق عدل و انصاف استفاده عادلانه و به دور از اسراف است به گونه‌ای که حق دیگران از جمله نسل‌های بعد از استفاده و بهره‌وری از مواهب الهی در طبیعت از بین نرود.

«ان الله يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَ الْإِحْسَانِ» (نحل/۹۰) در این آیه شریفه خداوند علاوه بر عدل که پرداخت حق دیگران است، امر به احسان که به معنای مقدم داشتن دیگران است و گذشت از حق خود می‌باشد، دارند.

و در روایات بسیاری بر ارزش احسان به حیوانات تأکید شده است و آن را باعث پاک شدن گناهان دانسته‌اند مثلاً در مورد سگ تشنه‌ای که توسط فرد گناهکاری مورد احسان قرار گرفت و سیراب شد. (بخاری، ۱۹۸۲، ج ۳، ص ۱۲۰۶، مسلم، ۱۳۳۴، ج ۴، ص ۱۷۶۱، مؤطا مالک، ۱۴۰۶، ج ۲، ص ۹۲۹، ابو داود، ۱۴۲۰، ج ۳، ص ۲۴، مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۲، ص ۶۵). در همین راستا بر درختکاری تأکید گردیده است که دارای خیر و اجر است؛ حتی هنگام وقوع قیامت (احمد، ۱۹۸۵، ج ۳، ص ۱۹۱، نوری طبرسی، ۱۴۰۸، ج ۱۳، ص ۴۶۰). و باز در جای دیگری درخت کاری و نگهداری از آن صدقه محسوب می‌شود. (احمد، ۱۹۸۵، ج ۴، ص ۶۱).

نکنه ظریفی که در این روایات وجود دارد این است که خداوند اقامه قسط و اجرای عدالت و احسان را به عهده خود مردم گذاشته است و تأکید نموده است که بدون مشارکت فعالانه آنان، عدالت در جامعه و در تعامل انسان با محیط زیست اقامه نخواهد شد. (مظفری، ۱۳۸۹، ص ۸۴).

بشر اگر بخواهد سرمایه‌های طبیعی، هوا، زمین و آب را برای نسل‌های آینده خویش حفظ نماید، ضروری است بینشی تازه مبتنی بر همزیستی و هماهنگی با طبیعت پیشه خود سازد. از این رو فعالیت‌های اقتصادی و صنعتی باید کم‌ترین تهدید را برای محیط زیست داشته باشد.

۳.۶. اصل سپاسگذاری و تواضع در بهره‌مندی از منابع محیط زیست

انسان با توجه به بهره‌مندی از قدرت اختیار، آزاد است تا در بهره‌برداری از محیط زیست از شیوه‌ها و الگوهای درست و اخلاقی و شرعی و یا نادرست استفاده کند. اما باید بداند در صورت پیروی از خطوات شیطانی، هزینه‌های این ناسپاسی رنج‌های فراوان دنیوی و غضب الهی خواهد بود. خداوند آنچه را در آسمان و زمین خلق کرده مسخر انسان قرار داده و استعداد، قدرت و اجازه تصرف را نیز به او داده است. «وَسَخَّرَ لَكُمُ اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ وَالشَّمْسَ وَالْقَمَرَ...» (نحل: ۱۲) با نگاه اجمالی به وضعیت موجود و با توجه به آمار و ارقام منتشر شده در ادوار مختلف ما را به این نتیجه می‌رساند که نسل فعلی رفتار ناسپاسانه خود را با توجه به سوء استفاده از مواهب و نعمات الهی به نهایت رسانده است. متأسفانه جامعه دینی ما از این امر مستثنا نبوده و با جوامع غیردینی تفاوت چندانی ندارد و شاید از بعضی جهات وضعیت بدتری داشته باشند. برای مثال، استفاده بی‌رویه از آب‌های زیرزمینی، رفتارهای ما نسبت به بستر و حریم رودخانه‌ها، آب‌های سطحی و زیرزمینی، با انواع آلاینده‌ها مانند مواد سمی، شیمیایی، میکروبی و... .

نتیجه این است که اگر مردمی شکرگزار نعمت‌های الهی نباشند و شروع به خوش‌گذرانی نموده و محیط زیست و منابع آبی و خاکی را فدای لذت‌طلبی و تجمل‌گرایی نمایند، تأثیرات ویرانگری بر محیط زیست گذاشته و موجب بحران‌های مختلف اقتصادی، اجتماعی و اخلاقی خواهند شد که نتیجه آن تباهی و نابودی است.

پیامبر اکرم (ص) فرمودند: «من تواضع لله درجه حتى يجعله في عليين و من تكبر على الله درجه وضعه الله درجه حتى يجعله في اسفل السافلين» (احمد، ۱۹۸۵، ج ۳، ص ۷۶). اصل فروتنی عام در مقابل تمام هستی و آفریده‌ها منجر به حفظ و حرمت حقوق آنان و باعث جلوگیری از نابود کردن آنان می‌شود؛ زیرا رفتار متکبرانه انسان که خود را برتر از همه آفریده‌ها می‌داند، منجر به تخریب طبیعت شده است.

پیامبر اکرم (ص) در حدیثی دیگر نیز به زیبایی و ظرافت، رابطه فروتنی و ظلم و ستم را بیان فرمودند: «تواضعوا حتى لا يبغى أحد على أحد» (حرعاملی، ۱۴۰۳، ج ۵، ص ۵۴) در این روایت بیان می‌شود که فروتنی کردن مانع از ستم کردن می‌شود. تواضع در مقابل طبیعت انسان را از سیطره و سلطه بر آن باز می‌دارد.

در واقع تواضع و فروتنی در مقابل هستی انسان را در سطحی برابر با آن قرار می‌دهد و از دست‌اندازی متکبرانه به آن پیشگیری می‌کند. انسان وقتی خود را بالاتر از سایر موجودات می‌داند، اقدام به بهره‌کشی از آنان می‌کند، ولی وقتی احساس افتادگی در برابر هستی خداوند داشته باشد از رفتار برتری‌جویانه دوری می‌کند.

۴.۶. اصل آبادانی محیط زیست و نهی از فساد در آن

انسانی که مقام خلیفه الهی دارد، باید مجری اراده تشریحی خداوند در زمین باشد و به آباد کردن زمین اهتمام بورزد. پایبندی به اخلاق بیشترین سهم را در حفظ محیط زیست خواهد داشت و اگر کسی تخریب محیط زیست را برای دستیابی به توسعه پایدار رویه خود قرار دهد از مقام خلیفه الهی دور خواهد شد.

«هُوَ أَنْشَأَكُمْ مِنَ الْأَرْضِ وَاسْتَعْمَرَكُمْ فِيهَا...» (هود: ۶۱) خداوند متعال بستر مناسبی را در زمین برای انسان فراهم آورده است تا در کنار وحی و عقل درونی، تصمیمات درست و حکیمانه را اتخاذ کند و به آباد کردن زمین از ناحیه خداوند بپردازد. بسیاری از مفسران مانند شیخ طوسی، رازی، زمخشری و علامه طباطبایی گفته‌اند مراد از «وَاسْتَعْمَرَكُمْ فِيهَا» یعنی قرآن آبادانی زمین را به انسان سپرده است. به این صورت که خداوند توان وسائل و امکانات آن را در اختیار انسان قرار داده و تعلیماتی نیز داده تا انسان‌ها بتوانند از دارایی‌ها، معادن و ثروت‌های خود بهره گرفته و زمین را آباد نمایند. از دیدگاه علامه طباطبایی (ره) کلمه عمارت در آیه «وَاسْتَعْمَرَكُمْ فِيهَا» به معنای آن است که زمین را از حالت طبیعی‌اش برگردانی و وضعی به آن بدهی که بتوان آن فوایدی که مترتب بر زمین است را استفاده کرد. (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱، ص ۴۶۱-طوسی، ۱۴۰۹، ج ۶، ص ۱۶-رازی، ۱۴۰۸، ج ۱۰، ص ۲۹۱-زمخشری، ۱۴۰۷، ج ۲، ص ۴۰۷).

همچنین انسان از فساد و آلوده نمودن زمین نهی گردیده است. قرآن کریم شیوه‌ها و الگوهایی از تصرفات و دخالت‌های بشر که موجب تخریب محیط زیست، تباهی و نابودی حرث و نسل شود «فَسَادٌ فِي الْأَرْضِ» خوانده است (بقره/۲۰۵) علامه طباطبایی در تفسیر المیزان در مورد هلاکت حرث و نسل فرموده‌اند: «آیه مورد بحث شامل قانون تنازع بقا و هلاکت‌های ناشی از عمل طبیعت که برای ایجاد توازن در محیط زیست ضروری است را شامل نمی‌شود. بلکه آنچه «فساد فی الارض» و جرم شمرده شده نابودی گسترده نباتات (حرث) و کشتار دسته جمعی انسان‌ها و حیوانات است» (طباطبایی، ۱۳۷۴، ص ۱۳۱) تضمین حق بر محیط زیست برای انسان لازمه اجتناب از ایجاد فساد در زمین است. قاعده ملازمه در این خصوص شیوع بیشتری دارد و بر اساس آن حکم عقلی و شرعی با یکدیگر ملازمه دارند. (مشهدی، فهیمی، ۱۳۹۵، ص ۱۱۷) برای نمونه می‌توان به ممنوعیت آسیب و ضرر به خود از طریق تخریب محیط زیست و قبیح بودن ظلم و فساد و تعدی اشاره کرد. عقل هر گونه بی‌عدالتی و فساد را قبیح می‌داند. «...از نظر عقلی هرگونه اقدام انسانی که به برهم خوردن توازن و تعادل محیط زیست بیانجامد و موجب اخلال در نظام زندگی و هلاکت انسان شود، قبیح است. در مقابل تلاش آدمی به منظور حفظ و صیانت محیط زیست و احیای آن، که به تقویت توازن و تعادل عناصر آن بیانجامد، موجب حفظ نظام، بقای انسان و مصداق عمل نیکو است. مسئله حفظ بقای آدمی از قضایایی است که همه عقلا بر آن رأی داده‌اند و شارع هم به عنوان خالق عقل، با آن موافق است. نتیجه حکم به ضمیمه قاعده ملازمه حکم عقل و شرع، و جوب شرعی اصلاح محیط زیست و حرمت تخریب آن است. (جعفری، ۱۳۹۲، ص ۱۵۴؛ عظیمی، ۱۳۹۳، ص ۱۸۲). علاوه بر این از لحاظ ایجابی نیز وظیفه خلیفه الهی انسان آباد کردن زمین است نه تخریب آن» «هُوَ أَنْشَأَكُمْ مِنَ الْأَرْضِ وَاسْتَعْمَرَكُمْ فِيهَا» (هود: ۶۱) و پیام آیات این است که خلقت انسان هدفمند است و تمامی امکانات و استعدادها را خداوند بزرگ برای رشد و کمال انسان‌ها در اختیار او قرار داده است.

قرآن کریم کفران نعمت را موجب بروز سختی در زمین و دریا می‌داند: «ظَهَرَ الْفَسَادُ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ بِمَا كَسَبَتْ أَيْدِي النَّاسِ لِيُذِيقَهُمْ بَعْضَ الَّذِي عَمِلُوا لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ» (روم: ۴۱) بروز فساد در خشکی و دریا به خاطر اعمال مردم است، تا خداوند بچشاند نتیجه بعضی از اعمال آن‌ها را، شاید که بازگردند. اسراف و زیاده‌روی در استفاده از محیط زیست حرام است که قرآن در این باره آیات بسیاری دارد. از جمله اینکه می‌فرماید: «وَكُلُوا وَاشْرَبُوا وَلَا تُسْرِفُوا؛ إِنَّهُ لَا يُحِبُّ

المُسْرِفِينَ» (اعراف: ۳۱) بخورید و بیاشامید ولی اسراف نکنید. و در جایی دیگر قرآن کریم از فساد نهی می‌کند «الذین يُفْسِدُونَ فِي الْأَرْضِ وَلَا يُصْلِحُونَ» (شعراء: ۱۵۲) و یا آیه «وَلَا تُفْسِدُوا فِي الْأَرْضِ بَعْدَ إِصْلَاحِهَا» (اعراف: ۱۵۶) فساد نکنید در زمین بعد از اصلاح آن.

۵.۶. اصل ممنوعیت اسراف و تبذیر در مصرف

خداوند متعال در قرآن کریم می‌فرماید: «وَكُلُوا وَاشْرَبُوا وَلَا تُسْرِفُوا؛ أَنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُسْرِفِينَ» (اعراف: ۳۱) بخورید و بیاشامید ولی اسراف نکنید. رفتاری که مادی‌گراها بخصوص غربیان در قرن‌های اخیر به آن روی آورده و تلاش‌های گسترده و فراوان در جهت بهره‌وری بی‌رویه آغاز نموده‌اند و اوج این دیدگاه را در عصر استعمار و تصرف سرزمین‌ها و مناطق مختلف جهان توسط اروپاییان می‌توان مشاهده کرد. خداوند متعال به قناعت و میانه‌روی در بهره‌برداری و استفاده از نعمت‌های الهی دستور داده «...لَمْ يُسْرِفُوا وَلَمْ يَقْتُرُوا وَكَانَ بَيْنَ ذَلِكَ قَوَامًا» (فرقان: ۶۷) و از «اسراف» که به معنای تجاوز از حد میانه‌روی است در هر کاری که باشد گرچه در صرف ۰ مال شهرت دارد، منع نموده است. (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲، ص ۲۳۰).

میانه‌روی و عدم اسراف در مصرف و قناعت، یعنی کاهش و تعادل مصرف و بقای بیشتر منابع و امکانات طبیعی و در مقابل اسراف و بهره‌برداری غلط، یعنی «کفران نعمت» و ناسپاسی «کفور» و نابود کردن منابع مورد نیاز جانداران و نباتات که این از مصادیق منکرات و خسران و زیانکاری است و موجب خشم الهی می‌شود.

کاربرد اسراف فقط منحصر به امور اقتصادی نیست و شامل هر فساد و تجاوز و افراطی هست به خلاف تبذیر که تنها در مسائل مادی است و وجود اسراف در یک جامعه بیانگر مکر انسان‌گرا است که با محوریت دادن به انسان و اصالت منافع او تسلط انسان بر طبیعت و تخریب محیط زیست را به قیمت رفاه بیشتر انسان تجویز کردن است و این یعنی وضعیت نامناسب و غیرمتعادل اخلاقی و فرهنگی شخص و یا جامعه مسرف است و آن حالت تجاوزگری و بی‌اعتنایی به قوانین و ارزش‌های اخلاقی حاکم بر جامعه است. (مظفری، ۱۳۸۹، ص ۹۵).

۷. احکام اخلاقی تعامل انسان با محیط زیست و حفاظت از آن از دیدگاه اسلام

اسلام علاوه بر آنکه در نظام اخلاقی دارای هدف مشخص و اصول کلی و جزئی بیان‌کننده تعامل انسان با محیط زیست است، دارای احکام عملی نیز هست که خداوند این احکام را می‌پسندد و این احکام در آیات و همچنین روایات متعددی از پیامبر اکرم (ص) و ائمه معصومین (ع) نقل شده است و بندگان مکلف به انجام آن‌ها می‌باشند.

احکام اخلاقی در برگیرنده اعمال و رفتارهای اختیاری انسان‌هاست که با نفس انسان ارتباط دارد و غرض از تشریح آن اصلاح نفسانی است و اکتفا نمودن بر عمل به ظواهر شریعت و رعایت نکردن روح آنچه که احکام اخلاقی است، باطل کردن مصالح تشریح و از بین بردن غرض دین است. (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۲، ص ۳۵۳).

برای اثبات مدعا، ادله و شواهد خود را با استفاده از آیات و روایات در زمینه وظیفه انسان در ارتباط با اجزاء مختلف محیط زیست از قبیل جنگل‌ها، گیاهان، جانوران و حیوانات، خاک، آب و دریاها بیان می‌نمائیم.

۱۰۷. پرهیز از آزار و اذیت و ظلم به حیوانات

نظام زندگی انسان بر خلاف سایر جانداران که به حکم غریزه زندگی می‌کنند بر مدار تکلیف و مسئولیت است. لذا باید بر مدار تکلیف و عقل و اراده کار کند تا بتواند از حقوق خود بهره‌مند باشد در غیر این صورت مرتکب گناه شده است؛ در نتیجه به خود ظلم می‌کند.

در روایتی از پیامبر اکرم (ص) آمده است که از محله‌ای عبور می‌کرد دید عده‌ای مرغ زنده‌ای را نشانه گرفته با سنگ می‌زنند، حضرت فرمود اینها چه کسانی هستند؟ رحمت خدا از آنان دور باد. (نوری طبرسی؛ ۱۴۰۸، ج ۸، ص ۳۰۲) و در سیره امیرالمؤمنین علی (ع) آمده است که دشنام دادن به حیوانات را ناپسند می‌دانستند. (همان، ص ۲۶۱) توضیح اینکه اگر انسان مالک هستی خود بود هر تصرفی را که در امور خود می‌کرد و هر ردیله و ملکه ناپسندی مانند کبر، عجب، حسد، ریا، خودخواهی، غضب، و... در هویت خود ایجاد می‌کرد، نمی‌توانست مصداق ظلم باشد. چون ظلم در جایی است که انسان خودسرانه در حق دیگری تصرف کند و بدون اذن در حریم خصوصی شخصی و یا موجود دیگری ورود پیدا نموده و در سرمایه‌ها و دارایی‌های او تجاوز نماید. در نتیجه معلوم می‌شود هویتی که در اختیار انسان است متعلق به خدا و ملک او و امانت در اختیار انسان است و انسان امانتدار خداوند می‌باشد و لذا حق تصرف ناروا ندارد. (جوادی آملی، ۱۳۸۶، ص ۱۷۱).

بنابراین، انسان هر نوع تصرف و ارتباطی که می‌خواهد با نفس و انحاء وجودی خویش داشته باشد و در پی آن از شئون علمی و عملی خود بهره‌مند شود، باید مقارن با رضایت مالک مطلق هستی یعنی خداوند باشد و بنابر قاعده اولویت در دیگر موجودات مانند کوه‌ها، دریاها، جنگل‌ها، مراتع، منابع طبیعی، حیوانات و آبیان و... نیاز به اذن خداوند است و برای ارتباط تبعیت از اوامر و نواهی که توسط پیامبر و ائمه اطهار (ع) بیان شده را در سرلوحه کار خود قرار دهد. (همان، ص ۱۷۲).

۲.۷. حفاظت از حیوانات و درختان و فضای سبز

در کتاب ثواب الاعمال روایات متعددی از ائمه اطهار (ع) وارد شده که در آن برای حفظ و نگهداری حیوانات ثواب‌های ارزشمندی به بندگاه عطا می‌گردد و گناهی از انسان بخشیده می‌شود.

امام موسی کاظم (ع) می‌فرماید: «هر کسی یک اسب رها شده را نگهداری کند در هر روز سه گناه او بخشیده می‌شود و بیست و یک عمل نیک برای او ثبت می‌شود.» (صدوق، ۱۳۸۸، ص ۱۹۰).

امام علی (ع) می‌فرماید: «خداوند را در اموال و احشامتان رعایت کنید» (طبرسی، ۱۴۰۸، ج ۸، ص ۲۶۱)

امام صادق (ع) می‌فرماید: «هیچ پرنده‌ای در دریا و خشکی صید نمی‌شود و هیچ حیوان وحشی کشته نمی‌شود، مگر آنکه تسبیح‌گویی از بین رفته است» (برقی، ۱۳۹۰، ج ۲، ص ۳۰۶).

در دین اسلام، برای محافظت از درختان و گیاهان قوانینی وضع شده است که نه فقط جنگل‌ها که حیات وحش را نیز در بر می‌گیرد، که به قاعده «حرم و حمی» نامیده شده است و بر اساس آن مناطقی که به آن‌ها حریم می‌گویند، از سایر مناطق جدایند و توسعه و کشاورزی در آن‌ها ممنوع است و حفاظت از این مناطق بخصوص لازم است. بر این اساس علاوه بر حمایت از جانوران، حمایت از جانداران در زندگی پیامبر اسلام (ص) مشاهده می‌شود.

پیامبر گرامی اسلام می‌فرماید: «از لانه‌سازی پرندگان در منزل خود جلوگیری نکنید» (طبرسی، ۱۳۷۰، ص ۱۲۹)

پیامبرگرامی اسلام فرمودند: «چهارپایان را به مثابه محلی برای گفت‌وگو قرار ندهید» به این معنا که سوار بر حیوان

نشوید بعد با دیگران شروع به گفتگو کنید و مشغول تعریف و... نشوید.

در اسلام همچنین به انفال و فیء که اموال عمومی هستند، اشاره می‌شود و اینکه کسی حق تصرف آنان را ندارد، منابع و مناطق طبیعی و سکونتگاه‌های حیوانات در جنگل‌ها، صحراها، کوه‌ها و دریاها همه از این دست محسوب می‌شوند.

پیامبر اکرم (ص) فرمودند: چند گروه مورد لعن خداوند هستند که یکی از آنان کسی است که اموال عمومی را به خود اختصاص دهد و آن را برای خود حلال شمارد: «المستأثر بالفیء والمستحل له» (کلینی، ۱۳۷۹، ج ۲، ص ۲۹۳). امروزه می‌توان با الگوگیری از قاعده حرم و حمی، آن را برای حفاظت از منابع طبیعی گسترده و متنوع به کار برد.

۳.۷. نهی از آسیب رساندن و از بین بردن گیاهان و درختان و پرندگان

خلقت زمین هدفمند است و خداوند متعال برای رشد و کمال انسان تمامی امکانات و استعدادها را در اختیار او قرار داده است، چرا که انسان خلیفه خداوند در روی زمین است و این وظیفه حکم می‌کند که از تخریب محیط زیست جلوگیری کند.

در روایتی از امام صادق (ع) چنین آمده است: «لا تقطعوا الثمار فبیعت الله علیکم العذاب صبا»؛ درختان میوه را قطع نکنید که خداوند بر شما عذاب نازل می‌کند. (فیض کاشانی، ۱۴۳۰، ج ۱۸، ص ۱۰۵۱).

پیامبر گرامی اسلام (ص) به سپاهیان دستور می‌دهد که حتی در سرزمین دشمن نیز از قطع کردن و نابود ساختن درختان و گیاهان و کشتزارها خودداری نمایند. (کلینی، ۱۳۷۹، ج ۵، ص ۲۹). و در روایت دیگر می‌فرماید: «مگر اینکه اضطرار وجود داشته باشد که در این صورت قطع درختان و از بین بردن گیاهان مجاز شمرده می‌شود» (همان، ص ۲۷). بعضی از دانشمندان به نام «میشله» می‌گویند: «بی وجود پرندگان زمین طعمه حشرات خواهد شد و دانشمندان دیگری به نام «فابر» در تأیید او می‌نویسد: بی وجود پرندگان قحطی بشر را نابود می‌کند». (جوادی آملی، بی تا، ج ۱، ص ۳۶۷).

بر اساس روایات ذکر شده متوجه می‌شویم که شعاع قاعده لاضرر سراسر زندگی انسان را در بر می‌گیرد و اسلام ضرر و زیان و آسیب رساندن به دیگران را نمی‌پذیرد و بدون تردید یکی از موارد ضرر و زیان، تخریب محیط زیست انسان و دیگر موجودات زنده است. چرا که انسان‌ها نمی‌توانند به دلیل بهره‌برداری افراطی از طبیعت، به دیگران ضرر و زیان وارد کنند و شارع مقدس چنین اجازه‌ای نداده است. و همچنین بر اساس روایاتی که از قطع درختان و از بین بردن مزارع و گیاهان نهی کرده است، درمی‌یابیم که انفال از اموال عمومی است و همه مردم در منافع آن شریک هستند، استفاده بهینه از اموال عمومی اقتضاء دارد که زیر نظر حکومت اسلامی مورد بهره‌برداری قرار گیرند تا حقوق مردم تضییع نشود، و عده‌ای خاص، این منابع را وسیله سودجویی‌های بی‌رویه و استفاده‌های ستمگرانه خود قرار ندهند.

۴.۷. نهی از تخریب محیط زیست

مشکلاتی که باعث فساد در زمین، دریاها، کشاورزی و... می‌شود ناشی از انحرافی است که در رفتار انسان‌ها به وجود می‌آید (...وَلَا تُسْرِفُوا؛ إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُسْرِفِينَ) (اعراف: ۳۱) و این انحراف ناشی از طبیعت فطری انسان نیست، چون فطرت او یک فطرت پاک و الهی است، بلکه این فساد ناشی از دور شدن او از توحید است. لذا بر اساس روایات اگر مردم زکات

ندهند، زمین نیز برکت خود را دریغ می‌دارد چه از مزارع، چه از معادن، چون یار ظالم و تجاوزکار باشند به حکام ظالم گرفتار آید و اگر پیمان شکنی کنند، خدا دشمنانشان را بر آن‌ها مسلط می‌نماید و اگر قطع رحم کنند اموالشان به دست اشرار افتد. (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۷۳، ص ۳۷۳)

امام صادق (ع) می‌فرماید: زندگی موجودات دریایی وابسته به باران است، چون باران قطع شود فساد بر دریا و خشکی ظاهر می‌شود و این زمانی است که گناهان و معاصی زیاد شود. (مدرسی، ۱۳۷۷، ج ۱۰، ص ۶۷).

ممکن است هنوز علوم تجربی رابطه بین معصیت و فساد رفتاری بشر و آثار زیانبار آن بر محیط زیست را کشف نکرده باشد، اما بر اساس آموزه‌های وحیانی اینها می‌تواند معلول آن‌ها باشند.

بر اساس آیات و روایات درمی‌یابیم که رابطه مستقیمی بین پرهیز از گناه و رفاه اقتصادی وجود دارد و رفاه اقتصادی پایدار بدون محیط زیستی سالم امکان پذیر نمی‌باشد. «و إِذَا تَوَلَّى سَعَى فِي الْأَرْضِ لِيُفْسِدَ فِيهَا وَ يُهْلِكَ الْحَرْثُ وَالنَّسْلُ؛ وَاللَّهُ لَا يُحِبُّ الْفُسَادَ» (بقره: ۲۰۵). در این آیه شریفه سه نکته حائز اهمیت است:

۱. نابود ساختن کشت و زرع و دام از ویژگی‌های حاکمان شرور و فسادکنندگان در زمین دانسته شده است.

۲. هلاکت نسل گاهی مستقیم و به شیوه کشتن انجام می‌شود و گاهی غیرمستقیم؛ که با از بین بردن منابع غذایی و زیست محیطی محقق می‌گردد.

۳. ممکن است تقدم کلمه «حرث» بر «نسل» در آیه شریفه دال بر این باشد که یکی از مهم‌ترین عوامل هلاکت نسل آدمیان و حیوانات، از بین رفتن مراتع و منابع طبیعی و زیست محیطی آن‌ها باشد. (شاکراردکانی، ۱۳۹۴، ص ۸۸).

۵.۷. استفاده بهینه از نعمت‌های الهی

سیره و سخن معصومان (ع) بیانگر تشویق و دعوت از انسان‌ها جهت استفاده و بهره‌برداری از طبیعت و ثمرات آن به اندازه مفید و معقول است. «...وَبْتَغُوا مِنَ فَضْلِ اللَّهِ...» (جمعه: ۱۰)

گیاهان از منابع مهم تأمین غذا، پوشاک و دارو برای انسان می‌باشند. مهم‌ترین منبع غذایی سالم برای انسان از گیاهان فراهم می‌شود، ضمن اینکه نقش دارویی گیاهان در پیشگیری و درمان بیماری‌ها کاملاً مشهود است. و در مورد حیوانات، خداوند سبحان آن‌ها را کمک الهی به انسان معرفی می‌کند.

در روایتی امام علی (ع) از پیامبر اکرم (ص) نقل می‌کند که آن حضرت فرمود: «عَلَيْكُمْ بِالْغَنَمِ وَ الْحَرْثِ فَانَّهُمَا يَغْدوان بَخِيرٍ وَ يروحان بخیر»؛ بر شما باد به نگهداری گوسفند و زمین کشاورزی؛ زیرا این دو به خیر آغاز می‌شوند و به خیر و برکت پایان می‌یابند. (حر عاملی، ۱۴۰۳، ج ۸، ص ۳۹۳).

چهارپایان برای صاحبان خود شکوه خاصی دارند؛ زیرا آن‌ها حکایت از منابع غذایی و اقتصادی پر برکتی دارند و این همان خودکفایی در تأمین فرآورده‌های مورد نیاز یک جامعه است. امروزه تمام ملت‌های دنیا تلاش می‌کنند در صنعت کشاورزی و دامداری به خود کفایی برسند و گرفتار وابستگی نشوند و مجبور نباشند با دادن امتیازهای سیاسی دست نیاز به سوی دیگران دراز کنند؛ چرا که وابستگی اقتصادی، وابستگی سیاسی را به دنبال دارد. لذا در اسلام مردم به دامداری و کشاورزی و توسعه پایدار آن تشویق شده‌اند.

۶.۷. مدارا و شفقت با محیط زیست

پیش از اسلام، مردم با طبیعت و محیط زیست رفتار بدی داشتند، به گونه‌ای که بعضاً حیوانات را مانند انسان، زنده

به گور می‌کردند. مانند زنده به گور کردن شتر در کنار قبر ثروتمندان بر اساس این رسن جاهلی و خرافی که مرده ثروتمندان سوار بر شتر محشور می‌شود.

با بعثت پیامبر گرامی اسلام تحولی ژرف در نگرش به محیط زیست و برخورد با حیوانات و دیگر آفریده‌های خداوند به وجود آمد. پیامبر رحمت و مهربانی حضرت محمد(ص) با آوردن دستورات الهی از این برخوردها پیشگیری و از آن‌ها نهی نمود.

در آیات و روایات اسلامی درختان و گیاهان، کوه‌ها و آب‌ها و دریاها و حیوانات، موجودات ذی شعور، تسبیح‌گو، دارای شأن عقلانی و نشانه و آیت الهی معرفی شده‌اند. به گونه‌ای که همه دارای هدف، معرفت، شناخت، و درک قدرت نطق و اختیار می‌باشند و این تسبیح نیز از روی اختیار می‌باشد. (رکن الدین، ۱۳۹۲، ص ۲۱۵).

امام موسی بن جعفر(ع) می‌فرماید: «هیچ حیوانی نیست مگر اینکه وقتی صاحبش می‌خواهد بر آن سوار شود، می‌گوید: بار خدایا او را به من مهربان کن.» (برقی، ۱۳۹۰، ص ۶۲۶).

بر پایه آموزه‌های وحیانی، اسلام و قرآن کریم علاوه بر آنکه نشانه و آیتی از پروردگار محسوب می‌شوند و صفحه‌های آفرینش برای انسان برگ موعظه است «لِيُنذِرَ مَنْ كَانَ حَيًّا» (یس: ۷)، او را موظف می‌کنند که نسبت به مخلوقات خداوند رأفت و رحمت و احساس مسئولیت داشته باشد. چرا که در اندیشه دینی و قرآنی، هدف از خلقت رسیدن به کمال و کامل شدن انسان است و این در سایه عبودیت الهی محقق می‌گردد. و از طرفی یکی از صفات برجسته خداوند رحم و شفقت و رأفت و محبت بی حساب نسبت به همه مخلوقات است.

۷.۷. بهداشت و پاکیزگی محیط زیست

محیط زیست در هر دوره‌ای در اختیار نسل‌هایی از بشر قرار می‌گیرد و به تعبیر روایات اسلامی به تصرف او درآورده می‌شود. اما در واقع یک امانت است و این انسان یک تصرف محدود، مدت‌دار و مسئولانه است.

یکی از احکام اخلاقی که انسان مسئول بر خود لازم می‌داند، نظافت، پاکیزگی و بهداشت محیط زیست است. در اسلام همان اندازه که به نظافت فردی تأکید و تشویق شده، به نظافت و پاکیزگی منزل، محل کار، اماکن عمومی، خیابان، مسجد، محل عبور و مرور، رودخانه‌ها و... سفارش شده و از آلوده نمودن آن‌ها برحذر داشته شده است.

اولیا و ائمه اطهار(ع) با توجه به تأکید فوق العاده‌ای که برای بهداشت در صحنه اجتماع و محیط زیست دارند، احکام قابل توجه‌ای را بیان نموده‌اند.

برای مثال از منظر دینی مسجد و پاکیزگی آن اهمیت فوق العاده‌ای دارد، لذا در روایات از خوردن چیزهایی که باعث آزار دیگران در مسجد می‌شود منع شده است، مثل خوردن سیر و پیاز (ابن شعبه حرانی، ۱۴۰۴، ص ۷۹) و یا نهی از خوابیدن در مسجد (کلینی، ۱۳۷۹، ج ۳، ص ۱۶).

و یا در روایات بیان فرمودند که بهداشت معابر ثواب صدقه دارد و حتی حضرت رسول(ص) مانع از سر راه انسان‌ها برداشتن را نیز مصداق صدقه دانسته‌اند.

و یا اینکه حضرت علی(ع) تأکید می‌کنند که از آلوده نمودن آب خودداری کنید. (شهید اول، بی تا، ج ۱، ص ۲۴۰). پژوهشگران عرصه سلامت محیط زیست می‌گویند:

همه موجودات زنده نیاز به آب تمیز و پاک دارند. اگر آب آلوده باشد و موجودات آن را مصرف کنند ممکن است در همان لحظه آسیبی به سلامتی وارد نشود، اما اگر مدت طولانی از این آب استفاده شود سلامتی انسان، محیط زیست با مشکلات عدیده‌ای روبه‌رو می‌شوند.

۸. نتیجه‌گیری

۱. انسان موجودی جاندار است که درباره خود و محیط پیرامونش به تفکر آگاهانه می‌پردازد و با شیوه‌های گوناگون سعی در شناخت خود و جهان داشته است. قرآن کریم و وحی الهی یکی از ابزارها و منابع مهم معرفت‌شناسی است. قرآن کریم به عنوان اساسی‌ترین منبع معرفتی به محیط زیست توجه جدی نموده است و با آیات مختلف تأکید بر حفظ محیط زیست و عدم تخریب آن کرده است.

۲. از دیدگاه اسلام و قرآن کریم همه موجودات هستی از ارزش وجودی برخوردارند و به سوی غایت مشخصی در حرکت می‌باشند. اما در سلسله مراتب هستی خداوند اذن تسخیر طبیعت را به انسان داده است و محیط زیست ابزاری برای رفاه انسان است، اما ابزاری که از ارزش ذاتی برخوردار است. بر همین اساس تعامل انسان با محیط زیست تعاملی مسئولانه و تعهدمحور و تکلیف‌مدار است.

۳. در آیات بیانگر تعامل انسان با محیط زیست به طور کلی دو نوع جهان‌بینی وجود دارد: جهان‌بینی مادی و جهان‌بینی الهی. در جهان‌بینی مادی همه موجودات غیر انسانی، موجودات فناپذیر و فاقد ارزش بوده و انسان در استفاده از آن هیچگونه محدودیتی ندارد، در حالی که در جهان‌بینی الهی عناصر و عوامل محیط زیست دارای ارزش ذاتی هستند و انسان در استفاده از آن محدودیت‌هایی دارد.

۴. قرآن کریم برای رفتار و تعامل درست انسان با طبیعت و محیط زیست اصولی را بیان نموده است که از جمله آن می‌توان مسئولیت‌پذیری و تصمیم‌سازی عادلانه، رعایت عدل و انصاف در برخورد با طبیعت، آبادانی محیط زیست و نهی از فسادانگیزی در آن و نهی از اسراف و تبذیر را نام برد.

۵. در نظام اخلاقی، اسلام علاوه بر اصول دارای احکامی نیز هست که در آیات قرآن کریم بیان شده است از جمله: پرهیز از آزار و اذیت و ظلم به حیوانات و حفاظت از آنها، نهی از تخریب محیط زیست، استفاده بهینه از نعمت‌های الهی و...

۹. فهرست منابع

- قرآن کریم

۱. ابن حنبل، احمد، مسند الامام احمد بن حنبل وضعه محمد ناصر الالبانی، المكتبة الاسلامیه، چ پنجم، بیروت، لبنان، ۱۹۸۵.

۲. ابن شعبه حرانی، محمد حسن، تحف العقول عن آل الرسول (ص)، چ دوم، جامعه مدرسین، قم، ۱۴۰۴ق.

۳. ابو داود سجستانی، سلیمان بن اشعث، سنن ابو داود، تحقیق صدقی محمد جمیل، بیروت- لبنان، دارالفکر، ۱۴۲۰.

۴. بخاری، اسماعیل بن محمد، صحیح بخاری، جمهوری، مصر (۱۹۴-۲۵۶ق)

۵. -----، صحیح بخاری، شرح مصطفی دیب البغا، دارالقلم، بیروت، ۱۹۸۲

۶. برقی، احمد بن محمد، المحاسن، دارصادر، بیروت، ۱۳۹۰ش.

۷. بری، جان، محیط زیست و نظریه اجتماعی، ترجمه حسن پویان و نیره توکلی، انتشارات سازمان حفاظت محیط زیست، چاپ اول، ۱۳۸۰ ش.
۸. پیری، توماس، «عصر اکوزوئیک»، مجله سیاحت غرب، فروردین ۱۳۸۵، شماره ۳۲، ص ۱۴۹.
۹. ترمذی، محمد بن عیسی، سنن ترمذی، قاهره، مصر، دارالحدیث، ۱۴۱۹ ق
۱۰. جوادی آملی، عبدالله، اسلام و محیط زیست، اسراء، قم، ۱۳۸۶.
۱۱. _____، _____، پیام قرآن، قم، اسراء، بی تا.
۱۲. جوادی، محسن، مسئله باید و نباید، انتشارات اسلامی، قم، ۱۳۷۵.
۱۳. جعفری تبریزی، محمد تقی، فرهنگ جامع نوین، ترجمه احمد سیاح، نشر اسلام، بی جا، ۱۳۸۷.
۱۴. حر عاملی، محمد، وسائل الشیعه الی تحصیل الشریعه، تحقیق عبدالرحیم الی شیرازی، چ پنجم، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، ۱۴۰۳ ق
۱۵. حسین الخشن، الاسلام والبیعه خطوات نحو فقه بیعی، دارالهادی، بیروت، ۱۴۲۵ ق.
۱۶. حبیبی، محمد حسن، «حق بر خور داری از محیط زیست سالم به عنوان حق بشریت»، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، ش ۶۰، ۱۳۸۲ ش.
۱۷. دیلمی، احمد؛ آذربایجانی، مسعود، اخلاق اسلامی، نشر معارف، قم، ۱۳۷۹.
۱۸. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، المفردات فی غریب القرآن، مدخل ملک، دارالعلم و دار الشامیه، دمشق و بیروت، ۱۴۱۲ ق.
۱۹. رکن الدینی، سید حسین، شأن اخلاقی محیط زیست و چالش های آن با تأکید بر اندیشه اسلامی، پایان نامه دکتری، دانشگاه معارف، قم، ۱۳۹۲.
۲۰. رازی، حسین بن علی، روض الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن، بنیاد پژوهش های آستان قدس رضوی، مشهد، ۱۴۰۸ ق.
۲۱. زمخشری، محمود، الکشاف عن حقایق غوامض التنزیل، دارالکتب العربی، بیروت، ۱۴۰۷ ق.
۲۲. ساعد، نادر، «نگرشی با حق اخلاقی و حق حقوقی به محیط زیست»، مجموعه مقالات نخستین همایش حقوق محیط زیست ایران، انتشارات برگ زیتون، چ ۱، ۱۳۸۳ ش.
۲۳. شهید اول، الدروس الشرعیه، صادقی، قم، بی تا.
۲۴. شاکر اردکانی، سید اسماعیل، زمین مادر ماست، نشر فرهنگ اهل بیت، قم، ۱۳۹۴.
۲۵. صدوق، محمد بن علی، ثواب الاعمال، وحی، قم، ۱۳۸۸ ق.
۲۶. طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، چ چهارم، انتشارات اسلامی، قم، ۱۴۰۲ ق
۲۷. -----، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه سید محمد موسوی همدانی، انتشارات اسلامی، قم، ۱۳۷۴.
۲۸. طبرسی، فضل بن حسن، مکارم الاخلاق، چ چهارم، شریف رضی، قم، ۱۳۷۰ ش
۲۹. طوسی، محمد بن حسن، تهذیب الاحکام، دارالتعارف للمطبوعات، بیروت، ۱۴۱۳ ق.

۳۰. عابدی سروسستانی، احمد، جهت‌گیری ارزشی و اخلاقی زیست محیطی اسلامی، ماهیت و پیامدها، چاپ شده در کتاب اخلاق و محیط زیست، دانشگاه امام صادق، ۱۳۸۶، ص ۵۸.
۳۱. فهیمی، عزیزالله، مسئولیت مدنی ناشی از تخریب محیط زیست در فقه و حقوق ایران، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، ۱۳۹۱.
۳۲. فیض کاشانی، مولی محسن، الوافی، عطر عطرت، اصفهان، ۱۴۳۰ ق.
۳۳. فتحعلی، محمود، «نظریه اخلاق زیستی، محیطی اسلام با تأکید بر آرای استاد مصباح یزدی»، معرفت اخلاقی، تابستان ۱۳۹۰، شماره ۳، ص ۱۰۲.
۳۴. قرضاوی، یوسف، رعایه البیئه فی شریعه الاسلام، دارالشرق، قاهره، ۱۴۲۱ ق.
۳۵. کلینی، محمد بن یعقوب، اصول کافی، تحقیق علی اکبر غفاری، دار الکتب الاسلامیه، تهران، ۱۳۷۹.
۳۶. کانت، ایمانوئل، بنیاد مابعد الطبیعه اخلاق، ترجمه حمید عنایت و علی قیصری، خوارزمی، تهران، ۱۳۶۹.
۳۷. لواسانی، احمد، کنفرانس بین المللی محیط زیست در ریو، مؤسسه چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه، تهران، ۱۳۷۲.
۳۸. لویی، پولمان، اخلاق زیست محیطی، ترجمه محسن ثلاثی و همکاران، نشر توسعه، تهران، ۱۳۸۴.
۳۹. مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، الوفاء، بیروت، ۱۴۰۳ ق.
۴۰. مالک بن انس، مؤطا مالک، به تحقیق محمد فؤاد عبد الباقي، بیروت- لبنان، دارالاحیاء التراث العربی، ۱۴۰۶.
۴۱. مسلم بن حجاج، ابی الحسین، صحیح مسلم، تحقیق محمد فؤاد عبد الباقي، بیروت، دارالحدیث، ۱۳۲۹-۱۳۳۴ ق.
۴۲. مدرسی، سید محمد تقی، تفسیر هدایت، آستان قدس رضوی بنیاد پژوهش‌های اسلامی، مشهد، ۱۳۷۷.
۴۳. مظفری، محمد حسن، اصول بهره‌برداری از منابع محیط زیست از دیدگاه قرآن، کتاب اخلاق و محیط زیست، سید کاووس امامی، دانشگاه امام صادق (ع)، تهران، ۱۳۸۹.
۴۴. مشهدی، علی، حق بر محیط زیست سالم، تهران، انتشارات میزان، چ ۱، ۱۳۹۲ ش.
۴۵. -----، حقوق بشر و محیط زیست، تهران، انتشارات خرسندی، چ ۱، ۱۳۹۶ ش.
۴۶. نسائی، احمد بن شعیب، سنن نسائی، تحقیق ابو طاهر زبیر علی زئی، جلد اول، ریاض، دارالاسلام للنشر والتوزیع، (۳۰۳-۲۱۵ ق)
۴۷. نوری طبرسی، میرزا حسین، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، مؤسسه آل البيت لإحياء التراث، بیروت، ۱۰۴۸ ق.
۴۸. نهج البلاغه، ترجمه سید محمد دشتی، قم، الهادی، ۱۳۸۲.
۴۹. نهج الفصاحه، ترجمه ابوالقاسم پاینده، جاویدان، تهران، ۱۳۸۲.